

در ضمن باتقلیل موجب مخصوص فروش مخالفت کرده است ؟ ویک ! همین که اینجانشسته است ! اورا طرد کنید ! چه کسی باالغای مالیات مطبوعات و مالیات برآگهی های مطبوعاتی و مالیات بر علم مخالفت کرده است ؟ ویک ! همین که اینجانشسته است ! اورا طرد کنید ! چه کسی موافق بوجود آوردن تعداد زیادی خاصسب جدید برای روسای کلیسا و پرداخت حقوق های کلان بآنها بوده است ؟ با دادن کمکهای مالی به مای نوت موافقت نموده و باتقلیل این کمکها مخالفت ورزیده است ؟ چه کسی با معاف شدن فرقه های انشعایی و مستقل مذهبی از مالیاتهای دینی مخالفت کرده است ؟ ویک ! همین که اینجانشسته است ! اورا طرد کنید ! چه کسی با هرگونه تحقیقات در مورد تطب در مواد غذایی مخالفت کرده است ؟ ویک ! همین که اینجانشسته است ! اورا طرد کنید ! چه کسی مخالف تطب مالیات قد و شکر و مخالف لغو مالیات مالیت است [جوی جوانه زده که بصرف غذایی خانواده های فقیر رسید ، ا . س] ؟ ویک ! همین که اینجانشسته است ! اورا طرد کنید ! چه کسی مخالف کوتاه کردن ساعات کارنانو اها در شب ، مخالف تحقیقات در مورد وضع کارگران ماشینی ، مخالف بازرسی بهداشتی ساکن کارگران ، مخالف قدغن شدن کار اطفال خردسال در ساعات قبل از صبح مخالف مساعدت کردن صندوق انجمن های محلی به زنان فقیر آستن و بالاخره مخالف لایحه ده ساعت کار در روز بوده است ؟ ویک ! همین که اینجانشسته است اورا طرد کنید ! بنام خدا و شریعت اورا طرد کنید ! مردان هالی فاکس ! مردان انگلستان ! این دو سیستم در مقابل شما قرار دارند ! اکنون تفاوت کنید و انتخاب نمایید .

(شورویجاتی که این سخنرا نیسی - مخصوصا آخر رس بوجود آورد - وصف ناپذیر است . انبوه مردم در سکوت هیجان آلودی گوش فرامیدار - در هر مک و تاطلی همچون امواج شدید دریا که بسه صخره های ساحلی برخوردی کند با فریادهای خشم آلودی ، نفرت خود را نسبت به نمایندگان سیستم ویکها و حکومت طبقاتی ، ابراز مینمورد . این صحنه ای بود که منتهای طرد در خاطره ها باقی خواهد ماند .

وقتی که موقع بلند کردن دست برای گاندیدها فرار رسید جزمده معدودی - که اکثر افسرا و اجیر و یاترسوئی بودند - برای سوچار نژود دست بلند کردند ، تقریبا تمام حضار با شور و هیجان وصف ناپذیری همراه با شعارهای پر حرارتی ، دستهای خود را برفع ارنست جونس بلند کردند .

شهردار اعلام کرد که ارزست جونس وهنسری ادواردس توسط دست بلند کردن مردم انتخاب شده اندولی سرچارلز زود و آقای کروسلی تقاضا کردند که رای گیری فقط از کسانیکه دارای حق رای میباشند بعمل آید .

وهمانطور شد که جونس پیش بینی کرده بود . او با بیست هزار رای کاندید شده بود ولی سر چارلز زود - نماینده ویگها - و کروسلی - نماینده مردان میچستر - با ۵۰۰ رای انتخاب شدند .

کارل مارکس

[نقل از صفحات ۲۴۲ تا ۳۵۰ جلد هشتم آثار مارکس - انگلس]

www.KetabFarsi.com

نامه کارل مارکس به پارلمان کارگری

[روزنامه خلق * پبلسی پپر* (ارگان چارتمیت ها) ۱۸ مارس ۱۸۵۱]

از اینکه لافل در این لحظه قادر بترك کردن لندن نی باشم واین ترتیب نمیتوانم غرور و تشکراتم را بناسبت دعوتی که بعنوان عضو افتخاری پارلمان کارگری از من نموده اید ، بیان کنم ، عمیقاً متاسفم . فراخواندن يك چنین پارلمانی به تنها نی نشان دهنده مرحله نوبنی از تاریخ جهانی است . اعلام يك چنین رویداد با اهمیتی ، احمدهای طبقه کارگر در تمام اروپا و آمریکا زنده خواهد کرد .

در هیچ کشوری قهر و سلطه سرمایه و برده داری کارباندازه انگلستان توسعه نیافته است . در هیچ کجا اقتدار بینایی حد فاصل طبونرها - که بر تمام ارتش صنعتی حکومت می کند - و بردگان مزد بگیر - که فقط زندگی بخور و نمیری دارند - باین اندازه از صحنه بقاموش شده اند . در اینجا دیگر همانند کشورهای تازه [اروپا] طبقات بزرگ دهقانان و پیشه وران - که تقریباً بیک اندازه هم وابسته ب مالکیت خود و هم وابسته ب کار خود میباشند - وجود ندارند . در بریتانیا تفکیک کامل مالکیت از کار صورت گرفته است و باین جهت نبرد میان طبقات دوگانه ای که جامعه مدرن را تشکیل میدهند در هیچ کشوری ، باین حجم عظیم نرسیده و تا این حد برجسته و آشکار نشده است . و درست بهمین جهت است که هیچ کس باندازه طبقه کارگر بریتانیا ، شایستگی و رسالت آنرا ندارد که رهبری جنبش بزرگی را - که نتایج آن مالارهایی کامل کار خواهد بود - بعهده بگیرد و این بخاطر آگاهی روشن او از وضع خود و در اثر تفریق تعداد عظیم افرادش و بوسیله تجربیات فراوان گذشته و قدرت اخلاقی امروزی او حاصل شده است .

طبونها کارگر انگلیسی برای اولین باره شالودهای واقعی برای جامعه مدرن ریخته اند ، شالودهای

که برای صنعت مدرن - که نیروهای مغزیه طبیعت را تبدیل به نیروهای مولد بشر نموده است - طبقه کارگرانگیس با انرژی غلبه ناپذیری ، با برق جبین و هزل و درك خود ، شرایط مادی ایسرا آفریدند که در آن خودکار صوری و الادرآمد و شرانش بآن اندازه افزایش یافت که يك مسازاد عمومی را میسر ساخت . او [طبقه کارگرانگیس] با آفریدن نیروهای مولد خستگی ناپذیر صنعت مدرن ، اولین شرط کار را فراهم آورد و اکنون باید روشن شرط آنرا تحقق بخشد و آن نیروهای مولد ثروت را از زنجیرهای سنگین و عذاب آور انحصار رها سازد و تحت کنترل اشتراکی تولید کنندگان آن درآورد ، تولید کنندگانی که تا بحال اجازه داده بودند که اتفاقاً محصول کارشان علیه خودشان بکار برده شود و این ترتیب تبدیل باسزاری برای انقیاد خود آنها گردد .

طبقه کارگر و طبیعت غالب شده است و حالا باید بر انسانها نیز چیره شود . برای نیل باین منظور و فاد نیرو نمیشاند بلکه فاد تشکیلات لازم برای نیروهای مشترك خود میباشد . من فکر میکنم که تشکیلات طبقه کارگر در سطح ملی ، هدف بزرگ و با عظمتی است که پارلمان کارگری بخاطر آن تلاش می کند .

اگر پارلمان کارگری به ایده ای که موجب بوجود آمدن آن شده است ، وفادار ماند ، در این صورت تاریخ نویسان آینده ، خواهند نوشت که در ۱۸۵۴ پارلمان در انگلستان وجود داشت؛ يك پارلمان در لندن و يك پارلمان در منچستر . یکی پارلمان چیزدارها و دیگری پارلمان بسی چیزها و البته مردان واقعی فقط در پارلمان کارگران بوده اند و نه در پارلمان آقایان !

بسیار چاکرنتا ، کارل مارکس

لندن ۹ مارس ۱۸۵۴ دین استریت شماره ۲۸ . موهو

توضیحات

۱- "جامعه دکترانهای برادر": (فراترنال دکتران) ، جامعه دکترانیک انترناسیونال در ۱۸۴۵ بوسیله نمایندگان جناح چپ چارنیستها، کارگران آلمانی (اعضای اتحادیه عدالت طلبان) و مهاجرین انقلابی سایر ملیتها که در لندن زندگی میکردند، باین منظور در لندن بنیان گذاری شد که ارتباط نزدیکی میان جنبشهای دموکراتیک کشورهای مختلف بوجود آورد. مارکس وانگلس در تدارک مجلسی که در ۲۲ سپتامبر ۱۸۴۵ از نمایندگان دکترانهای کشورهای مختلف تشکیل یافت شرکت داشتند. این مجلس شالوده این جامعه را پایه‌ریزی کرد. ماسفانه مارکس و انگلس به علت آنکه مجبور به ترك لندن بودند، نتوانستند خودشان در این مجلس شرکت کنند ولی با دکترانهای برادر در تماس دائم بودند و میکوشیدند که اعضای آن - خصوصاً هسته پرولتری را که در سال ۱۸۴۷ اتحادیه کونیستها را بوجود آورد- در جهت انترناسیونال پرولتاری و کونفرم علی تربیت کنند و همچنین بوسیله این جامعه از نظر ایدئولوژیک بر روی چارتمس تاثیر بگذارند. نظریات اعضای از جامعه که از لحاظ تئوریک خام بودند مورد انتقاد مارکس و انگلس قرار میگرفتند. ص ۱۵

۲- پیام ۳ ژانویه ۱۸۴۸ دکترانهای برادر به کارگران بریتانیای کبیر و ایرلند که در ۱ ژانویه همانسال در روزنامه "ستاره شمال" ، ارگان چارنیستها، منتشر شد در رابطه با مسئله دفاع ملی انگلستان بود. نویسندگان این پیام ، تلاش معاف بورژوازی انگلستان را- که میخواستند باتلیمفات شوونیستی و شایعات مربوط به تدارک حمله فرانسه به خاک انگلستان ، توجه طبقه کارگر را از جاذبه در راه رفورمهای دموکراتیک منحرف سازند- افشا نمودند. در این پیام ، از کارگران دعوت شده بود که قاطعانه در مقابل "توطئه چینان" استقامت نمایند و باین دروغ بیشرمانه کفاسانها کشورهای مختلف ، دشمنان طبیعی یکدیگر میباشند ، واقعی نگذاشته و تحت تاثیر تحریکاتی که بخاطر برانگیختن احساسات خلقها بر علیه یکدیگر صورت میگردد ، واقع نشوند. در این پیام گفته میشود که اگر ملت انگلستان به کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک نایل گردد ، کام واقعی بزرگی در راه تقویت بنیه دفاعی خود برداشته است. ص ۱۶

۳- جلسهای که در طائر تشکیل یافته بود ، مربوط به جامعه دکترانهای آلمانی در پاریس بود که بعد از انقلاب فوریه ۴۸ تاسیس شده بود. رهبران این جامعه ، هرگز ، بورژوازی ، دگر و سایر دموکراتها ، برای بوجود آوردن یک لژیون انقلابی از مهاجرین آلمانی ، دست به

آرتامون زده بودند و میخواستند با این لژیون انقلابی به آلمان بفرستند و امیدوار بودند که بتوانند به این طریق انقلابی در آلمان برآوردند و رژیم جمهوری را در این کشور مستقر سازند. مارکس و انگلس قاطعانه و با سرسختی تمام با این بازبهای انقلابی مخالفت میورزیدند. ص ۱۷

۴- باشگاه کارگری کلن در ۱۳ آوریل ۱۸۴۸ توسط گوت شالك - عضو انجمن کلن اتحادیه کونیستها - در کلن تاسیس شد. و پس از چند روز تعداد اعضای آن بالغ بر ۳۰۰ نفر شد و در اوایل به معنی چند هفته بعد از بنیان گذاری آن، تعداد اعضایش به ۵۰۰ نفر رسید که اکثر آنها را کارگران و پیشه‌وران تشکیل میدادند. در رأس این باشگاه علاوه بر یک رئیس و کمیته‌ای قرار داشت که از نمایندگان حرفه‌های مختلف تشکیل یافته بود و ارگان مطبوعاتی آن "روزنامه باشگاه کارگری کلن" نام داشت که بعد از ۲۶ اکتبر ۱۸۴۸ اسم آن به "روزنامه آزادی و برادری و کار" تغییر یافت این باشگاه شعبه‌های متعددی در تمام شهر داشت. بعد از دستگیری گوت شالك در ۶ ژوئیه، مول به ریاست باشگاه برگزیده شد که تا زمان حوادث سپتامبر در این مقام باقی بود و پس از آنکه در معرض خطر توقیف قرار گرفت، به خارج مهاجرت کرد. در ۱۶ اکتبر ۱۸۴۸ بنا به خواست کارگران، مارکس وقتاً ریاست باشگاه را بعهده گرفت و بعداً در ۲۸ فوریه ۱۸۴۹ - شاپر به این سمت انتخاب گردید و تا اواخر ۱۸۴۹ باشگاه را اداره میکرد. اکثر رهبران باشگاه کارگری از اعضای اتحادیه کونیستها بودند (گوت شالك و آنکه، شاپر، مول و لستره بانسن، روز، نوت یونگ، بدورف).

در مراحل اولیه، باشگاه کارگری تحت نفوذ گوت شالك قرار داشت - که به شیوه تفکر سوسیالیست‌های "حقیقی" - وظایف تاریخی پرولتاریا در انقلاب بورژوا - دیکراتیک را نادیده میگرفت و تاکتیک سکناریستی تحریم انتخابات غیرمستقیم برای مجلس ملی سراسری آلمان و مجلس ملی پروس را تعقیب میکرد و مخالف پشتیبانی از کاندیداهای دیکرات در انتخابات بود. جطه‌پردازی‌های طرزاً چپ شالك و توأم با روشهای مآرزیستی بسیار معتدل بود (از قبیل تهیه نامه‌هایی از کارگران و فرستادن آن به مقامات دولتی و اولیا امور شهری و تنظیم برنامه مآرزیستی و صرفاً به اشکال "قانونی" و حمایت از یک سلسله مطالبات قدیمی شده و نامناسب با زبان عده‌ای از کارگران که هنوز تحت تاثیر و نفوذ حب و بغض‌های صنفی قرار داشتند و غیره). این سیاست سکناریستی [فره‌گرایانه] گوت شالك از همان آغاز کار با مخالفت عده زیادی از اعضای باشگاه - که از خط تاکتیک مارکس و انگلس پیروی میکردند - مواجه شد و تحت تاثیر این عده در اواخر ۱۸۴۹

۱۸۴۸ تحولاتی در فعالیتهای باشگاه کارگری کلمن صورت گرفت. در پائیز ۱۸۴۸ فعالیتهای تئوریک و سیاسی - حتی در میان دهقانان - انجام پذیرفت. اعضای باشگاه و در حومه کلمن باشگاههای کارگری و دموکراتیک متعددی تشکیل دادند و ادبیات انقلابی را اشاعه نمودند. از این جمله بود "مطالبات حزب کمونیست در آلمان". باشگاه کارگری کلمن، روابط نزدیکی با سایر باشگاه های کارگری ایالت راین و وستفالن داشت.

در زمستان ۴۹-۱۸۴۸ کوت شالك و طرفدارانش به منظور انشعاب در باشگاه کارگری کلمن دست به مبارزه شدیدی زدند و در روزنامه "آزادی و کار" که از ژانویه ۱۸۴۹ منتشر میساختند، دست به حملات و تهمت های زنیانه ای علیه مارکس و هیئت تحریریه "نویه راینیشه تسایتونگ" برداشتند ولی این فعالیتهای انشعابگرانه مورد نائید و پشتیبانی اکثریت اعضای باشگاه قرار نگرفت. در ژانویه و فوریه ۱۸۴۹ مارکس و سایر رهبران باشگاه برای تحکیم باشگاه دست به تجدید سازمان آن زدند. در ۲۵ فوریه نظامنامه جدیدی به تصویب رسید که در آن به "تعلیم اعضا در زمینه های سیاسی، اجتماعی و علمی بوسیله تهیه کتب، روزنامه ها و اعلامیه ها و سخنرانی های علمی و مباحثات" استعکام بخشیده شد. و در همین رابطه در آوریل ۱۸۴۹ کمیته باشگاه کارگری تصویب کرد مقالات مارکس را که تحت عنوان "کار اجرتی و سرمایه" در روزنامه "نویه راینیشه تسایتونگ" منتشر شده اند، در جلسات باشگاه مورد بحث قرار گیرد.

مایوس شدن کارگران از سیاست متزلزلانه دموکراتهای خرده بورژوا و تجربیات سیاسی که خود آنها در جریان انقلاب بدست آوردند موقعیت خوبی را نصیب مارکس و اتکلس کرد تا در بهار ۱۸۴۹ علاوه بر تدارک تشکیل یک حزب پرولتری بپردازند و در همین رابطه مارکس و طرفدارانش روابط تشکیلاتی خود را با دموکراتهای خرده بورژوا قطع کردند، بدون آنکه از عطیات مبارزاتی مشترك بر علیه ضد انقلاب امتناع ورزیده باشند. در ۱۶ آوریل ۱۸۴۹ باشگاه کارگری کلمن تصمیم گرفت که از اتحادیه باشگاههای دموکراتیک آلمان کناره گیری کند و به اتحادیه باشگاههای کارگری که مرکز آن در لایپزیک بود، ملحق شود و در ۶ مه ۱۸۴۹ کنفرانسی از نمایندگان باشگاههای کارگری ایالت راین و وستفالن برگزار گردید. البته شرایط آن زمان آلمان (و از جمله از پیاد قدرت ضد انقلاب و تشدید تعدیات و اختناق پلیسی که با آن توأم بود) مانع از آن شدند که باشگاه کارگری کلمن بتواند به فعالیتهای خود در جهت شکل توده های کارگری و ادغام باشگاههای مربوطه ادامه دهد. بعد از تعطیل شدن روزنامه "نویه راینیشه تسایتونگ" و رفتن مارکس و سایر رهبران باشگاه کارگری از کلمن، این باشگاه رفته رفته خصلت سیاسی خود را از دست داد و بتدریج تبدیل

به يك باشگاه تعلیماتی کارگری عادی گردید .

ص ۲۱

۵- دومین شکره دمکراتیک از ۲۶ تا ۳۰ اکتبر ۱۸۴۸ در بولن تشکیل یافت . در این کنفره اصول قانون اساسی مورد مذاکره قرار گرفت ، اعلامیه مربوط به حقوق بشر بتصویب رسید و کمیته مرکزی جدیدی انتخاب گردید . (داستر ، رایسناخ و هکسار) . بویست نماینده کنگ که مخیر کمیسیون مربوط به مسایل اجتماعی بود ، برنامهای ارائه داد که به " مطالبات حزب کمونیست در آلمان " بسیار شباهت داشت . ترکیب ناهمگون نمایندگان شرکت کننده در کنفره موجب شد که در مسایل مهم و اختلافی نظریهای جدیدی بروز نماید ، این اختلاف نظرها بر پایه اشتباهات و بینرهای متفاوت کارگران و دمکراتهای بورژوا بود . از آنجا که دمکراتهای بورژوا در کنفره اکثریت داشتند ، بجای آنکه اقدامات موثری بران بسیج تودهها بخاطر مبارزه بر علیه ضد انقلاب صورت گیرد . کنفره به تهیه چند قطعنامه بی حاصل و پرتضاد قناعت نمود .

ص ۲۲

۶- بعد از توقیف " روزنامه باشگاه کارگری کنگ " ، روزنامه " آزادی ، برادری ، کار " بعنوان ارکان باشگاه کارگری کنگ هر هفته دوبار منتشر میشد . در اواخر سال ۱۸۴۸ روزنامه بعللی موقتا تعطیل شد و در اول ایل ۱۸۴۹ روزنامه دیگری بنام " آزادی ، کار " انتشار یافت ولی بعلت اختلافات موجود بار دیگر روزنامه " آزادی ، برادری ، کار " بعنوان ارکان باشگاه کارگری کنگ منتشر گردید .

ص ۲۶

۷- اواسط آوریل ۱۸۵۰ مارکس و انگلس به نما بندگی از طرف اتحادیه کمونیست ها با مهاجرین بلانکیست فرانسوی مقیم لندن و نمایندگان جناح انقلابی چارنیست ها ، بر سر تاسیس یسک انجمن جهانی از کمونیستهای انقلابی بتوافق رسیدند و يك قرارداد اصولی (که اگوست ویلیس آنرا نوشته بود) میان آنها به اضا رسید . بعد از انشعاب در کمیته مرکزی اتحادیه کمونیستها بلانکیستهای فرانسوی به جانبداری از اقلیت - که تحت رهبری ویلیس و شاپر بود - پرداختند و باتفاق آنها ، روابط نزدیکی با مهاجرین دمکرات خرد ، بورژوا ، برقرار کردند . مارکس و انگلس اواخر ۱۸۵۰ بهتر دیدند که تحت این شرایط قرارداد خود را با بلانکیستها لغو کنند . ص ۴۳

۸- تا این اواخر ، مطالبی که از صورت جلسه نشست ۱۵ سپتامبر ۱۸۵۰ اتحادیه کمونیستها که ضجر به انشعاب گردید فقط ضحصر به اطلاعاتی بود که در اثر مارکس : " افشاگریهایی در باره محاکمه کمونیستها در کنگ " آمده بودند ، علاوه بر این با تصمیمات ضخده در این جلسه ، از محتوای خطابه کمیته مرکزی کنگ به اتحادیه کمونیستها مورخ ۱ دسامبر ۱۸۵۰ آشنایی داشتیم . مش کامل صورت جلسه مزبور - با استناد به دو دستخط - برای اولین بار در مجله " انترناسیونال

روبو اوف سوسیال هیستوری INTERNATIONAL REVIEW OF SOCIAL HISTORY
جلد اول، چاپ ۱۹۵۶ قسمت دوم صفحات ۲۲۴ تا ۲۵۲ منتشر شد که بعدها در صفحات
۵۹۷ تا ۶۰۱ جلد هشتم آثار مارکس و انگلس آورده شد.

تحقیقات انستیتوی مارکسیسم - لنینیزم مسکو بر روی اسنادی که انستیتوی بین‌المللی تاریخ
اجتماعی آستردام - نشان داد که هر دو سند خطی موجود فقط دو کپی از صورت جلسه
کمیته مرکزی اتحادیه کونیستها میباشند. یکی از این اسناد به خط هرمان ویلهلم هاویت نوشته شده
است. این شخص بعد از انشعاب از طرف اتحادیه به کنگ فرستاده شد تا تسمیحات اتخاذ شده را
به کمیته مرکزی جدید در کنگ ابلاغ نماید. نویسنده کپی دوم هنوز معلوم نشده است. نوشته
حاضر از روی متن صورت جلسهای که بخط هاویت نوشته شده است نقل گردیده است. ص ۴۵

۹- در سپتامبر ۱۸۴۹، مارکس به عضویت کمیسیون حمایت از فراریان سیاسی آلمانی در لندن
انتخاب گردید. این کمیسیون در باشگاه تعلیماتی آلمانی برای نارگران بوجود آمد و بعداً برای
آنکه از گزند مهاجرین خرد، بورژوا - دسکرات - که میکوشیدند عناصر پرولتری را در میان مهاجرین
قیم لندن تحت نفوذ خود درآورند - مصون نگاهداشته شود، کمیسیون مزبور به کمیته سوسیال -
دسکراتیک فراریان تبدیل گردید که انگلس نیز به عضویت هیئت مدیره آن درآمد. از آنجا که بعد از
انشعاب در اتحادیه کونیستها، کمیسیون فراریان تحت نفوذ فرانسویون ویلینر - شایر قرار گرفت
مارکس و انگلس در اواسط سپتامبر ۱۸۵۰ از عضویت در آن استعفا دادند. ص ۴۵

۱۰- بوتانی [کوهستان] : جناح افراطی ژاکوبین ها در مجلس ملی دوران بعد از انقلاب
فرانس را چنین می نامند و وجه تشبیه آن این بود که جایگاه نمایندگان متعلق به این جناح در
مرتفع ترین قسمت مجلس قرار داشت. بعدها یعنی در سالهای ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ این عنوان به
حزب خرد، بورژوای رادیکال - دسکرات - که لدر - رولن رهبری آنها بعهده داشت
اطلاق شد. ص ۴۷

۱۱- " لاپرس " روزنامه یومیه بورژوایی که از ۱۸۳۶ در پاریس منتشر میشد، در ۲۹-۱۸۴۸ ارگان
بورژواهای جمهوریخواه گردید و سپس ارگان بنیادین آنها شد. ص ۴۷

۱۲- از فوریه تا به ۱۸۴۸، لویی بلان بعنوان " نماینده کارگران " در فعالیتهای حکومت موقتی
بورژوایی فرانسه شرکت کرد. فعالیت کمیسیون دولتی مربوط به مسایل کارگری که لویی بلان ریاست
آنها بعهده داشت هیچ گونه نتیجه عملی در بر نداشت و تاکنیک مصالحه گرانه لویی بلان بخشی از

کارگران را از مبارزه انقلابی بازداشت .

ص ۴۸

- ۱۳- " کون پاریس " ارکان خودمختاری شهری در سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۴ که در حقیقت مبارزات نودمهای پاریسی برای اجرای اقدامات مختلف انقلابی را رهبری میکرد . کون پاریس [با کون پاریس سال ۱۸۷۱ اشتباه نشود] در سرنگونی رژیم سلطنتی و استقرار دیکتاتوری ژانکویی و متداول ساختن قیمت های حداکثر ، تصویب قانون مربوط به مظنون ها - که بر علیه ضد انقلاب تدوین شده بود - و درجورد سایر اقدامات انقلابی و نقش فعالانهای باز کرد . پس از کودتای ضدانقلاب در ۹ ترمیدور (۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴) تشکیلات کون درهم کوبیده شد . ص ۴۸
- ۱۴- " نظامنامه اتحادیه کونیستها " : که در دومین کنگره اتحادیه در دسامبر ۱۸۴۷ بنصوب رسیده . در نیمه دوم ۱۸۴۸ کمیته مرکزی لندن تغییراتی در آن داد که موجب تنزل اهمیت اصولی آن گردید . در ماده اول نظامنامه جدید ، بجای فرمول بندی دقیق هدف نهایی جنبش کونیستی پرولتاریایی و سقوط بورژوازی و حکومت پرولتاریا و ساختن جامعه بی طبقه کونیستی ، تقاضای جهم و ناروشن ایجاد یک جمهوری سوسیال قرار داده شد . مول ضمن مسافرتی که در زمستان ۴۹-۱۸۴۸ به آلمان نمود ، این نظامنامه را میان اعضای اتحادیه در آلمان پخش کرد . در مارس ۱۸۴۹ در هنگام دستگیری اعضای یکی از حوزههای برلن - که هتمل آنرا رهبری میکرد - ضمن این نظامنامه بدست پلیس آلمان افتاد و بعدا در محاکمه گروه هتمل بر علیه آنها بعنوان مدرک و دلیل جرم مورد استفاده مقامات دولتی قرار گرفت . بعد از انشعاب در کمیته مرکزی اتحادیه کونیستها در سپتامبر ۱۸۵۰ ، کمیته مرکزی جدید اتحادیه در لگن ، تحت رهنمودهای مارکس و انگلس در دسامبر ۱۸۵۰ نظامنامه جدیدی تنظیم کرد ، در ۱۰ دسامبر ۱۸۵۰ ایمن نظامنامه همراه با اسناد دیگر کمیته مرکزی برای حوزه اتحادیه در لندن ارسال شد و در نشست ۵ ژانویه ۱۸۵۱ این حوزه - که مارکس نیز در آن شرکت داشت - مورد تأیید قرار گرفت . ص ۵۵
- ۱۵- این اثرکه انگلس آنرا بعنوان مقدمه بر چاپ سوم جزوه ای که مارکس تحت عنوان " افشا - گریهائی درباره محاکمه کونیست هادرلگن " نوشته بود نگاشته است ، اولین بار در شماره های ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ روزنامه " سوسیال دمکرات " نوامبر ۱۸۸۵ منتشر شد و در صفحات ۲۰۶ تا ۲۲۴ جلد ۲۱ آثار مارکس - انگلس آمده است .
- ص ۶۵
- ۱۶- " توسطه های کونیستی قرن ۱۹ " در دو قسمت بوسیله فرموت واشتیبوردر ۱۸۵۳ و ۱۸۵۴ در برلن منتشر شد در ضمنیه ای که در قسمت اول کتاب آمده است - و بعنوان سرخس کسه

بدست پلیس افتاده و شامل " تاریخچه " جنبش کارگری بود - برخی از اسناد و مدارک مربوط به اتحاد کونیست ها که پلیس بدست آورده بود منتشر شده اند، قسمت دوم شامل يك " لیست سیاه " است که شامل بیوگرافی افرادیست که با جنبش کارگری و جنبش دموکراتیک رابطه داشتند با ذکر اطلاعاتی در مورد آنها -

ص ۶۵

۱۷- با رویسم : جنبش از کمونیزم مساوات گرخیالهاغه ایست که در اواخر قرن ۱۸ بوسیله باپوف، انقلابی فرانسوی و طرفداران او بنیان گذاری شدند .

ص ۶۵

۱۸- " جامعه روسی کارگران " یا " انجمن فصول سال " يك انجمن مخفی جمهوریخواه سوسیالیست بود که بین سالهای ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۹ تحت رهبری آگوست بلانکی و آرماند باربیس فعالیت میکرد . قیام ۱۲ مه ۱۸۴۹ پاریس که کارگران انقلابی نقش اصلی را در آن بازی میکردند از طرف این انجمن تدارک شده بود . این قیام که تکیه گاه وسیعی در میان توده هاندانست بوسیله نظامیان و گارد ملی سرکوب شد .

ص ۶۶

۱۹- شاپر بلا فاصله بعد از قیام ۱۲ مه ۱۸۴۹ دستگیر شد و بعد از ۷ ماه زندانی بودن از فرانسه اخراج گردید . با وثر فعالیت های انقلابی خود در پاریس ادامه داد ولی او نیز در ۱۸۴۲ دستگیر شد و از فرانسه اخراج گردید .

ص ۶۶

۲۰- در فوریه ۱۸۳۴ مازینی دستکرات - بورژوا کوشید که با اتفاق اعضای يك سازمان مخفی از جوانان ایتالیایی که خود او در سال ۱۸۳۱ تاسیس کرده بود و یک گروهی از مهاجرین انقلابی از اوسویس به ساوین - که منعلق بحکومت سلطنتی ساوین بود - رخنه کند . قرار بود که در آنجا یک قیام خلقی سازماندهی شود تا موجب وحدت ایتالیا و استقرار یک جمهوری مستقل ایتالیایی گردد . این گروه بوسیله نیروهای دولتی تارومار شدند .

ص ۶۶

۲۱- باشگاه آلمانی تعلیم کارگران در لندن : در ۷ فوریه ۱۸۴۰ بوسیله کارل شاپر، ژوزف مول، هاینریش با وثر و سایر اعضای اتحادیه عدالت طلبان تاسیس شد . بعد از آنکه اتحادیه کونیست ها سازماندهی شد، انجمن های اتحادیه [کونیست ها] در باشگاه تعلیم کارگران نقش رهبری را بازی میکردند . در سالهای ۱۸۴۷ و ۱۸۴۹ - ۱۸۵۰ مارکس و انگلس فعالانه در باشگاه شرکت داشتند . در ۱۷ سپتامبر ۱۸۵۰ مارکس انگلس و هده زیادی از همزمان آنها باشگاه را ترک گفتند زیرا که باشگاه در مبارزه میان اکثریت کجته مرکزی اتحادیه کونیست ها بر رهبری مارکس و انگلس و اقلیت فرقه کرائی که بر رهبری ویلینر و شاپرگرایش به تاکتیک های ماجراجویانه داشت ، از روزه اخیر شنیانی میکرد . او اواخر سالهای پنجاه مارکس و انگلس از نمودر فعالیت های باشگاه تعلیم

کارگران شرکت کردند. این باشگاه در ۱۹۱۸ بوسیله دولت انگلستان قدغن شد. در اوائل قرن بیستم عده زیادی از مهاجرین سیاسی روسیه در این باشگاه رفت و آمد میکردند. ص ۶۷

۲۲- جامعه دموکراتها در یازدهم ۱۸۴۷ در لندن تشکیل شد. در این جامعه انقلاب بین کارگری مخصوصاً مهاجرین انقلابی آلمانی - همچنین دموکراتهای شرقی بورژوازی و خرده بورژوازی شرکت داشتند. مارکس و انگلس نقش فعالانه ای در تاسیس جامعه دموکراتها بازی کردند. مارکس در ۱۵

نوامبر ۱۸۴۷ بهمت نایب رئیس جامعه انتخاب شد و پوتراند - دموکرات بلژیکی بمنوا ن رئیس جامعه برگزیده شد. نفوذ مارکس موجب شده بود که جامعه دموکراتها بصورت یکی از بهترین مراکز جنبش دموکراتیک خرده بورژوازی درآید. در اثنای انقلاب بورژوازی فوریه در فرانسه جناح پرولتری جامعه دموکراتها برای مسلح ساختن کارگران بلژیکی و راه انداختن مبارزه برای تشکیل یک جمهوری دموکراتیک کوشش بعمل آورد. بعد از آنکه در اوائل مارس ۱۸۴۸ مارکس از بروکسل اخراج شد و مقامات دولتی بلژیک حسابشان را با انقلابی ترین اعضای جامعه دموکراتها تسویه کردند. دموکراتهای خرده بورژوازی بلژیک قدرت این درک را نداشتند که خود را در اس جنش ضد سلطنتی نوده های زحمتکش قرار دهند و فعالیت های جامعه دموکراتها مرتباً محدود تر شد و خصلت خالص معالی را بخود گرفت و بزودی در ۱۸۴۹ فعالیت های خود را کاملاً متوقف ساخت.

ص ۷۱

۲۳- " لار فوم " روزنامه یومیه ارگان خرده بورژواهای دموکرات و جمهوریخواه و سوسیالیست های خرده بورژوازی فرانسه بود که از ۱۸۴۷ تا ۱۸۵۰ در پاریس انتشار یافت و انگلس مدتی مقالات متعددی در آن مینوشت.

ص ۷۱

۲۴- " تریبون خلق " هفته نامه ای که بوسیله سوسیالیست های " حقیقی " در ۱۸۴۶ در نیویورک منتشر میشد.

ص ۷۱

۲۵- منظور " کلوب کارگران آلمانی " است که در مارس ۱۸۴۸ بوسیله رهبران اتحادیه کمونیست ها تاسیس شد. کارل مارکس که این کلوب را اداره میکرد میخواست کارگران آلمانی را که بیارمن مهاجرت کرده بودند متحد کند و تاکنیک پرولتاریا را در انقلاب بورژوا - دموکراتیک برای آنها توضیح بدهد.

ص ۷۵

۲۶- قیام سلححانه در لندن در سوم تا هشتم ماه مه ۱۸۴۹ اتفاق افتاد. علت قیام امتناع پادشاه ساکسن از رسمیت شناختن قانون اساسی رایس و انتصاب یک مرتجع افراطی بنام " چینسکی " بنحست وزیری بود. بورژوازی و خرده بورژوازی شرکت ناچیزی در صا رزه

داشتند و کارگران همیشه و رانی که سنگر گرفته بودند نقش اصلی را در قیام بازی می کردند. قیام
 بوسیله سربازان ساکسن و پروس سرکوب شد. قیام درسدن آغاز مبارزه سلحشانه برای دفاع از
 قانون اساسی رایش بود که در ماه ۵ ناروشه ۱۸۴۹ در جنوب و غرب آلمان جریان داشت و با
 شکست نیروهای دموکراتیک پایان یافت. ص ۷۱

۲۷- "اتحادیه مخصوص" عنوانی بود که مارکس و انگلس به فراکسیون فرقه کرای و پلیس -
 شاپسکه از سیاست ماجراجویانه ای پیروی می کردند - داده بودند. این فراکسیون که بعد از
 انشعاب اتحادیه کمونیست هادره ۱ سپتامبر ۱۸۵۰ تشکیل شده بود با فعالیت های توطئه گرانه
 خود موجب تسهیل کاریس پروس در کشف فعالیت های مخفی انجمن های اتحادیه کمونیست ها
 در آلمان و از آنجمله معاکه کمونیست هادرکن شد. ص ۷۹

۲۸- "مطالبات حزب کمونیست در آلمان" مارکس و انگلس در فاصله میان ۲۱ تا ۲۹ مارس ۱۸۴۸
 این مطالبات را در پاریس برشته تحریر و آورده اند. که برنامه سیاسی اتحادیه کمونیست ها را برای
 انقلاب در شرف وقوع آلمان تشکیل میداد. این مطالبات بلافاصله بصورت اعلامیه ای چاپ و منتشر
 شدند و در چندین روزنامه دموکراتیک نیز درج گشتند. علاوه بر این بهر یک از اعضای اتحادیه
 که با آلمان مراجعت میکردند بعنوان رهنمودی داده میشد. در ایام انقلاب، مارکس و انگلس و
 طرفداران ایشان کوشیدند که توده های خلق را با فساد این برنامه آشنا سازند و در چند مجمع و
 کنگره کارگری و دموکراتیک محتویات این سند مورد تایید کامل قرار گرفت. [انگلس در متن نوشته
 مفاد سند را بطور کامل ذکر نکرده است ولی در این ترجمه تمام مفاد آورده شده است] ص ۸۲

۲۹- جامعه انترناسیونال یا جامعه انترناسیونال خلق : در ۱۸۴۷ بوسیله انگلیسی های بورژوا -
 رادیکال و لیبرالها و طرفداران تجارت آزاد، در لندن بنیان گذاری شد. عده ای از مهاجرین
 ایتالیایی و لهستانی و مجارستانی نیز به این جامعه پیوستند. علاوه بر این چند نفر از دموکراتهای
 بورژوا - از قبیل ماتسینی ایتالیایی - که خود یکی از موسسین این جامعه بود در آن شرکت داشتند.
 این جامعه در ۱۸۴۸ فعالیت های خود را - که عمدتاً عبارت از تشکیل اجتماعات و ایراد سخنرانی -
 هایی در مورد مسائل بین المللی بود - تعطیل نمود. ص ۸۵

۳۰- ویکهای آمریکائی : حزبی بود که از ۱۸۳۴ تا ۱۸۵۲ عمدتاً از نمایندگان منافع بورژوازی صنعتی
 و مالی تشکیل یافته بود. بخشی از صاحبان پلانتاژها نیز عضو آن بودند. هنگامیکه مبارزه بوسر
 راه حل مسئله بردگان در گرفت و موجب انشعاب دسته بندی های جدیدی در احزاب سیاسی
 آمریکا گردید، اکثریت ویکها در سال ۱۸۵۴ با اتفاق بخشی از اعضای حزب دموکرات که در ایالات
 شمالی آمریکا زندگی میکردند و همچنین بخشی از اعضای حزب کشاورزان، حزب جمهوریخواه را تشکیل

دادند که مخالفت با برده داری برخاست . سایر ویگها ، حزب دوکرات که نماینده ضابطه صاحبان پلانتاژهای برده داری بود ، پیوستند .

ص ۸۹

۳۱- " انقلاب پرافتخار " ۱۶۸۸ عنوانی است که بسبب معمول تاریخ نویسان بورژوازی به کودتای ۱۶۸۸ بخشیده اند . این کودتا موجب تحکیم سلطنت مشروطه در انگلستان گردید که منتهی به صلح میان مالکین بزرگ و بورژوازی بود .

ص ۹۰

۳۲- سازمان چارتیستها اولین حزب خودمای جنبش کارگری در تاریخ است که در سالهای شکوفایی واقتصادی جنبش چارتیستی در حدود ۱۰ هزار نفر عضو داشت . در ۱۸۴۰ کمیته اجراییه چارتیستها ، یعنی سازمان ملی چارتیستی بنیان گذاری شد . نظر وحدت ایده اولوژیکی و تاکتیکی در میان اعضای این سازمان و همچنین ایده اولوژی خرد بورژوازی اکثر رهبران چارتیستی ، در فعالیت های این سازمان بیچشم بصورت و ظاهر میند . بعد از شکست چارتیسم در سال ۱۸۴۸ ، این سازمان بسرانگیب سقوط افتاد و در سالهای پنجاه فعالیت آن پایان یافت و دهه زیادی از اعضای آن به تریدیونیون (اتحادیه کارگری انگلستان) پیوستند .

ص ۹۳

۳۳- کتب منچستر نظریه اقتصادی ای بود که مخصوصا ایده اولوژی بورژوازی انگلیس در نیمه اول قرن نوزدهم نماینده آن بودند . نمایندگان تجارت آزاد و طرفداران این جهت حزب با اصطلاح منچستر را تشکیل دادند ، حزبی که متعلق به بورژوازی صنعتی انگلستان بود . آنها از آزادی تجارت ، عدم دخالت دولت در حیات اقتصادی کشور ، و استثنای نامحدود طبقه کارگر ، دفاع میکردند ، منچستر مرکز آنتاگونیسم بود . در راس این جنبش دو کارخانه دار [صنایع نساجی] کوپدن و برایت ، قرار داشتند که در ۱۸۳۸ لیگای مخالفت به قوانین غله را بنیان گذاری کردند . در سالهای چهل و پنجاه ، طرفداران تجارت آزاد یک گروه بندی سیاسی خاص بودند که جناح چپ حزب لیبرال را در انگلستان تشکیل دادند .

ص ۹۳

۳۴- قانون لغو قوانین غله ؛ در ۲۶ ژوئن ۱۸۴۶ بتصویب پارلمان انگلستان رسید . قانون با اصطلاح غله که مبنی بر محدودیت و ممنوع بودن وارد کردن غله از خارج به انگلستان بودند . در سال ۱۸۱۵ بنفع مالکین بزرگ و صاحبان زمین وضع گردیدند . تصویب قانون ۱۸۴۶ بمناسبتی پیروزی بورژوازی صنعتی بود که تحت شعار آزادی تجارت بر ضد قوانین غله مبارزه میکرد تا نیروهای کار ارزشمندی را بدست بیاورد .

ص ۹۴

۳۵- جارت یا کارتا بمعنی مشور است و پپیلس چارتو (مشور خلق) نیز در این رابطه است . مشور خلق نام سندی است که در برگیرنده مطالبات چارتیست هاست . این مشور در ۱۸۳۹

۱۸۳۸ ، بعنوان يك ليحه قانونی که قرار بود در پارلمان انگلستان مطرح گردد - منتشر شد .
تقاضاهای عبارت بودند از :

- ۱ - حق رای عمومی (برای مردان بالاتر از ۲۱ سال) .
- ۲ - انتخابات سالانه برای پارلمان .
- ۳ - رای گیری مخفی .
- ۴ - تعادل و موازنه حوزه های انتخاباتی (در شهرستانها) .
- ۵ - الغای طبقه بندیایی که از نظر مالی برای کاندیداهای انتخابات پارلمان وجود داشت .
- ۶ - تعیین مراجع ماهیانه برای نمایندگان مجلس (بخاطر امر معاشر نمایندگان بی بضاعت پارلمان) .

U.S.A.
Denton

۱- نقش قهر در تاریخ

۴- توسعه سرمایه‌داری در روسیه ۱۰

۳- برگزیده آثار

۵- فتر فلسفه

۵- تاریخچه حزب کمونیست (بلشویک) روسیه

۱- برخی آثار ۱۰

۲- زندگی و آثار و فعالیتها ی مارکس و انگلس

۸- احاطه گریه‌های نوباره - ماکسیم گوربچوفا در کلن

۹- در باره رهائی زنان

۱۰- اتحادیه کمونیستها : چارتیستها

منتشر می‌شود :

۱۱- انقلابها ی ۱۹۱۷-۱۸۸۸

۱۲- زندگی و آثار و فعالیتها ی لندن

۱۳- گزارش کمیته مرکزی حزب کارگران ویتنام به کنگره چهارم

۱۴- توسعه سرمایه‌داری در روسیه ۲۰

۱۵- جنگ داخلی در آمریکا ۱۰

۱۶- جنگ داخلی در فرانسه - کمون پاریس

۱۷- زندگی و آثار و فعالیتها ی مارکس و انگلس

منتشر خواهد شد :

۱۸- جنگ داخلی در آمریکا ۲۰

۱۹- توسعه سرمایه‌داری در روسیه ۲۰

۲۰- زندگی و آثار و فعالیتها ی لندن

۲۱- استعمار

۲۲- زندگی و آثار و فعالیتها ی مارکس و انگلس

۲۳- مردان بزرگ در نیمه

۲۴- زندگی و آثار و فعالیتها ی لندن

۲۵- نقد اقتصاد سیاسی

۲۶- زندگی و آثار و فعالیتها ی مارکس و انگلس

۲۷- برگزیده مکاتبات

انگلس

لندن

روزا لوکزا مپورگ

مارکس

زیمنوویچ

مارکس - انگلس

جلد اول

مارکس

لندن

مارکس - انگلس

مارکس - انگلس

جلد اول

له دوان

لندن

مارکس - انگلس

مارکس - انگلس

جلد دوم

مارکس - انگلس

لندن

جلد سوم

مارکس - انگلس

جلد سوم

مارکس - انگلس

جلد سوم

مارکس

جلد چهارم

مارکس - انگلس